

آینه‌های روبه‌رو

نگاهی به فیلم «اینجا بدون من»

هجوم بی‌وقفه زندگی

سجاد صاحبان‌زند

■ همه آن چیزهایی که روزگاری کهنه بودند، در روزگار بعد رنگی تازه به خود می‌گیرند و دوباره تازه می‌شوند. به همین دلیل است که شما هیچ وقت نمی‌توانی به طور قاطع درباره یک اثر هنری حرف بزنی، باید با توجه به شرایط در زمانی ببینی که آن اثر دست‌نورد تازه‌ای دارد یا نه. این درپچه‌ای است که قرار است ما از آن وارد فضای «اینجا بدون من» شویم. آخرین فیلم بهرام توکلی، کارگردان جوان سینما، ما را به یاد خیلی از فیلم‌هایی که دیده‌ایم یا داستان‌هایی که خوانده‌ایم، می‌اندازد از نمایشنامه «باغ‌وحش شیشه‌ای» گرفته که نویسنده فیلمنامه اسمش را در تیتراژ آورده تا بسیاری از فیلم‌ها و داستان‌های دیگر و نکته آنجاست که این نکته به هیچ‌وجه نشان از ضعف فیلمنامه ندارد. فیلمنامه «اینجا بدون من» در گفت‌وگو با تاریخ سینماست، رد پای بسیاری از آثاری را که دیده‌ایم در تن برقی و سفید این فیلم به چشم می‌خورد و همین نکته سبب می‌شود تا راحت با آن ارتباط برقرار کنیم. آشنایی ما با عامل‌ها و روایت فیلم، فارغ از آنکه رد تقلید در فیلم دیده شود، ما را به سادگی با آن همگام می‌کند تا هر چه زودتر وارد فضای فیلم شویم؛ نکته‌ای که توکلی توجهی ویژه به آن دارد. او می‌خواهد تا تماشاگرش را هر چه زودتر با خودش همراه کند، چرا که می‌داند وقت کمی دارد و ممکن است هر لحظه او را از دست بدهد. فیلم بدون هیچ مقدمه‌ای آغاز می‌شود. احسان (صابر ابر) در اتوبوس نشسته و در حال روایت داستانی برای ماست.

می‌گوید، زمانی که ما این داستان را می‌شویم، ممکن است او در اتوبوس نباشد. او به گونه‌ای حرف می‌زند که انگار دارد صدايش را ضبط می‌کند. ما متوجه این موضوع نمی‌شویم، اما کمی بعد در خواهیم یافت که ضبط صدا، چه کار کردی خواهد یافت.

در «اینجا بدون من» روایت خانواده‌ای را می‌بینیم که مادرش در خطر از دست دادن شغل نه چندان راحت خود است، پسرش در یک انبار و با حقوق

کمتر از مصوبه اداره کار (۳۰۰ هزار تومان) کار می‌کند و در نهایت دخترش معلولیت عضو دارد و تنها دلخوشی‌اش پاک کردن مجسمه‌های شیشه‌ای است. تنها چیزی که در مورد پدر خانواده متوجه می‌شویم آن است که معاند بوده است؛ همین. نیازی به دانستن بیش از این هم نیست.

فیلم ریتم تند و قابل اعتنایی دارد. داستان خوب پیش می‌رود و شما کمتر حس اضافی بودن چیزی را داری. داستان جزئیات بسیاری از زندگی اجتماعی ما را دارد، اما از آنجا که توکلی این جزئیات را در بطن داستان فیلمش آورده و از سویی آنها را با چاشنی طنز همراه کرده، خسته نمی‌شویم و همراه شخصیت‌ها پیش می‌رویم و منتظریم که در پایان فیلم چه روی می‌دهد. پایان فیلم دقیقاً همان جایی است که وقتی از سالن سینما خارج می‌شدم آرزو داشتم به گونه‌ای دیگر تمام شود. رضا (پارسا پیروزفر)، دوست احسان است. او چند باری به خانه آنها آمده است و در همین چند بار، یلدا (نگار جواهریان)، خواهر احسان صدای او را شنیده و ضبط کرده است. حالا هم مدام به صدایش گوش می‌دهد و به نوعی دلیاخته است،

آن هم بدون آنکه پسر را ببیند. ما همه کش و قوس‌هایی که در داستان اتفاق می‌افتد و تعلیق‌هایی که فیلمنامه‌نویس(کارگردان ایجاد می‌کند، در نهایت یلدا و رضا به هم می‌رسند و شور عشق، پای معیوب یلدا را به حرکت وامی‌دارد. راستش را بخواهید از این «پایان خوش» که با تصاویری آهسته و آهنگی ملایم همراه بود، اصلاً خوشم نیامد. حس می‌کردم که کارگردان می‌توانست ریتم واقع‌گرایانه فیلمش را دنبال کند و چنین وارد فضای تخیل نشود. ایمل‌ها زیبا شده بود، پچه‌ای در بغل زواج می‌خندید، مادر خانواده به جای تعدیل، بازنشسته شد و دیگر رییس و کارکنان کارخانه دشمنان او نبودند و خلاصه همه چیز خوب به نظر می‌رسید. اما کمی که با خود کلنجر رفتم دیدم که این پایان چندان هم خوش نیست. رضا ابتدای فیلم برمی‌گردد. احسان در اتوبوس نشسته و انگار صدایش را ضبط می‌کند. چه کسی به صدای او گوش می‌دهد؟ او تنهاست، هر چند که خواهرش سرر و سلمانی یافته باشد. ما احسان را فراموش کرده بودیم. اصلاً شاید زمانی که در سکاس‌های پایانی، بار دیگر رضا را در اتوبوس می‌بینیم و به یاد سکاس ابتدای فیلم می‌افتیم، فیلم تمام شده و باقی همه تخیل باشد. یا در نهایت شاید در فضایی که همه فیلم‌ها پایانی تلخ یا باز دارند. این پایان خوش نواورانه باشد.

دکوپاز فیلم، یک نشانه‌شناسی زیبا در خود دارد. هر گاه ما از آدم‌ها دوریم، کارگردان نمایی نزدیک از آنها را ارائه می‌دهد و هر گاه به آنها نزدیک می‌شویم، آنها را عمیق می‌کند. هارمونی این نمایش دور و نزدیک، حسی زیبا به ما می‌دهد، انگار که هیچ‌وقت نمی‌توانیم به حقیقت نزدیک شویم. انگار مدام با تکه‌های کوچک حقیقت روبه‌رو می‌شویم که از آسمان افتاده است و هر تکه‌اش در گوشه‌ای قرار دارد.

گیسو فغفور: گفت‌وگو با فاطمه معتمد آریا فرصت خوبی بود تا باو درباره سینما، بازیگری و نظراتش آشنا شویم. بخش اول آن دیروز به چاپ رسید و بخش پایانی آن در پی می‌آید.

■ ■ ■

■ این شیوه شما در تمام فیلم‌هاست؟

در تمام فیلم‌هایی که تا به حال بازی کردم، این نکته وجود داشته است. نه اجازه داده‌ام کسی برتر از موقعیتی که در آن هست، کار کند و نه خودم این کار را کردم. وقتی که با یک جوان سرشار از هیجان قرار است همکاری شوم، آن شور و شوق مرا با خودش می‌برد اما گاهی به دلیل نگاه فردی که در فیلمی وجود دارد، شرایط تغییر می‌کند. اگر بتوانم چیز متفاوتی هماهنگ با آن پلان نشان دهم، ارزش دارد. آن وقت همه می‌گویند چقدر همه در صحنه خوب هستند.

■ اما مرور دست‌کم چند فیلم اخیرتان نشان می‌دهد که شاید به خاطر برخی رودرپایستی‌ها راحت بازی نکرده‌اید؟ مثلاً اگر خیلی راحت و صمیمی با رخشان بنی اعتماد همکاری کردید، این وضعیت در فیلم سیامک شایقی تکرار نشد

من ابتدا در کار کارگردان دخالت نمی‌کنم. مسوولیت اثر برعهده کارگردان است و من تجلی اندیشه او هستم. حتی خوشم نمی‌آید که میزانسن را تغییر دهم. این به خود کارگردان ربط دارد که تجربه مرا باور داشته باشد یا بخواهد از تجربه من استفاده کند یا نکند. همیشه سعی می‌کنم تا به دیدگاه کارگردان باشم تا اینکه بخواهم نظرات خود را القا کنم.

■ اما این تصویر شماست که در حافظه تاریخی و ذهنی مردم ثبت می‌شود.

اگر این‌طور بود که من در همه فیلم‌ها خودم را تکرار می‌کردم. طبیعی است که من فکر کنم باید محور هر صحنه باشم، مدام باید نشان داده شوم. طبیعی است که همه بازیگرها این‌طوری فکر می‌کنند اما اگر این‌طور بود دیگر نمی‌توانستم معتمدآریا باشم.

■ پس گرایش‌های خودتان چه می‌شود؟ فیلم‌هایی را هم که با نظر تان فرق داشته باشد، انتخاب می‌کنید؟

من قبل از شروع فیلم نگاه و نظرم را با کارگردان مطرح می‌کنم. همه نظراتم را درباره سناریو، بازیگران، مقال، طراحی صحنه، میزانسن‌ها و دکوپاز قبل از شروع مطرح می‌کنم. من نمی‌توانم میزانسن غلط را انجام دهم. دیالوگ غلط را نمی‌توانم بیان کنم. گاهی اوقات ممکن است خیلی از شخصیت‌ها روابطشان فرق کند، دیالوگ‌ها تغییر پیدا کند اما همه اینها قبل از شروع فیلمبرداری است. وقتی فیلم شروع می‌شود، مطلقاً در کار کارگردان دخالتی انجام نمی‌دهم.

■ برای نقش‌هایتان انتخاب می‌شوید یا انتخاب می‌کنید؟ همه کارهایی را انتخاب می‌کنم. هیچ وقت نشده که بگویم چون آن کارگردان دوست دارد، می‌روم و در فیلمش بازی می‌کنم. همیشه یک رابطه متقابل بین من و کارگردان وجود داشته است. هر چند بیشتر انتخاب‌هایم با سینمای متداول امروز همخوانی ندارد اما سعی کردم کارهایی امروزی و برای تماشاگر قابل پذیرش باشم.

■ دل‌تخ‌های شما محدود است و اندک.

ناگزیرم یا طمأنینه این کار را انجام دهم، سناریوها آنهایی نیست که دوست داشته باشم بازی کنم.

■ نگرانی این را ندارید که بین شما و تماشاگران فاصله بیفتد؟

در این مدت اگر به سابقه کاری من رجوع کنید، هر سال یک کار را داشته‌ام. از روز اول حضورم این روزا را حفظ کرده‌ام. خیلی اهل اینکه چند کار را با هم انجام بدهم، نیستیم. بعضی اوقات هم اتفاق افتاده، چند سالی صبر کردم تا فیلمی را بازی کنم که برایم ارزش داشته باشد. در این مدت هم فیلم‌هایی را بازی کردم که اجازه نمایش نداشته است. به‌ از این نظر بین من و مردم فاصله می‌افتد. من اما ارتباطم را قطع نمی‌کنم. ولی حتما یک موانعی وجود دارد که فیلم‌هایم مجاز به اکران نیستند. من مهم نیستم مساله وقت، سرمایه و زحمت‌هایی است که یک عده ماها می‌کشند و سرانجام بی‌حاصل می‌شود. مانند بستن در یک ثانوایی است که قطعه، سبب بحران در آن محل می‌شود. این حرفه و شغل ماست. چطور نمی‌توانیم با هم گفت‌وگو کنیم. حتما یک چیز غیرانسانی و غیرمتعارف وجود دارد که ما به

گفت‌وگو با مانی حقیقی در روزهایی انجام شد که فیلم «رود آقایان ممنوع» تازه اکران شده بود. حالا زمانی قسمت پایانی گفت‌وگو ای چاپ می‌شود که این فیلم دو میلیارد تومان فروش داشته و استقبال از آن همچنان ادامه دارد.

■ ■ ■

■ همکاری گروه چطور بود؟ مثلاً نگاه آهنگرانی می‌گفت رضا عطاران آفتدر طنز را درست می‌شناسد که کار خوب پیش می‌رود.

اینکه از فیلمنامه تخطی کند با هر برداشت یک شوخی جدید راه بیندازد. هراب که شوخی‌ای را تکرار می‌کردیم، او یک کار غیرمنتظره می‌کرد و با این کار مدام ما را مجبور می‌کرد که واکنش‌های جدیدی نشان بدهیم. در زمینه بداهه هم عالی بود و دایم تلاش می‌کرد جوری وضعیت را بگرداند که بازیگران مقابلش بتوانند خوب‌بازی کنند. نمونه خیلی بارزش آنجایی در فیلم است که ویشکا و رضا درباره اینکه کدام‌شان قد بلندتری دارد، بحث می‌کنند. همه چیز آن صحنه در طراوت بازی‌هاست و رامبد هم هوش به خرج داده و صحنه را در یک برداشت بلند گرفته.

■ این کارهای غیرمنتظره عطاران کار را برای شما سخت‌تر کرد؟

کار را هم سخت‌تر می‌کرد و هم خیلی بهتر. این قابلیت‌های رضا فضای سرخوش صحنه‌ها را زنده نگه می‌داشت.

■ وقتی یک کاری همه چیزش اینقدر خوب در می‌آید آدم خیلی خوشحال می‌شود.

بله، خود من تا حالا اینقدر از حضورم در یک فیلم خوشحال نبوده‌ام. به جز کارهای خودم که برایم جنبه شخصی دارد، موفقیت این فیلم نزد مردم برایم خیلی جذاب و هیجان‌انگیز است. به این دلیل که همه چیز این فیلم خیلی خوب رخ داد و فیلم سرازار این بود که خوب دیده شود. اینقدر همه چیزش خوب اتفاق افتاد که موفقیتش آدم را خوشحال می‌کند.

■ فکر می‌کنید شخصیتی که در «رود آقایان ممنوع»

سینمای ایران



سجاد صاحبان‌زند

گفت‌وگو با فاطمه معتمدآریا– بخش پایانی

بی تفاوت نیستم

عنوان انسان‌های متمدن نمی‌توانیم گفت‌وگو کنیم و به تفاهم برسیم. بدون اینکه هیچ کدام‌هم متهم باشیم. وقتی فیلم‌نمایش داده نمی‌شود بیش از آنکه نگران خودم باشم، نگران صنعت سینما هستم. برای همه تاسف‌بار است که این همه هزینه بی‌نتیجه می‌شود. این فقط درباره سینما نیست.

■ با مدیران درباره این مشکل بحث شده است؟

هیچ مدیری مسوولیت نمی‌پذیرد. این تصمیم‌ها هیچ وقت مستقیم گفته نمی‌شود و فقط به من پیام داده می‌شود. بعد

از ۳۰ سال کار کردن برای من به عنوان یک زن هویتی قابل نیستند. هرکسی حتی برای یک‌بار چیزی از من شنیده یا خوانده باشد، می‌داند درونم مالا مال از صلح است و برای ارتباط برقرار کردن آماده هستم. در این مدت هم بدون هیچ مقاومتی آنچه گفته شده را انجام داده‌ام. چون ارزش مسایل بعد از آن را ندارد. ■ اکران این فیلم شاید بتواند فضا را اندکی باز کند.

این فیلم واقعا به من ربطی ندارد. در موقعیت منطقی خودش اکران می‌شود. آدم‌های محترم و حرفه‌ای در ساخت این فیلم تاثیر داشته‌اند. بازیگرانش در این سال‌های اخیر در جشنواره فجر مورد تشویق قرار گرفته‌اند. من عاملی برای وجود آوردن منع یا مشکلی در فیلم نیستم. این اکران امتیاز مثبتی برای من نیست و ضرری هم برای فیلم ندارد. این فیلم به صورت منطقی باید اکران شود و اکنون می‌شود.

عنوان انسان‌های متمدن نمی‌توانیم گفت‌وگو کنیم و به تفاهم برسیم. بدون اینکه هیچ کدام‌هم متهم باشیم. وقتی فیلم‌نمایش داده نمی‌شود بیش از آنکه نگران خودم باشم، نگران صنعت سینما هستم. برای همه تاسف‌بار است که این همه هزینه بی‌نتیجه می‌شود. این فقط درباره سینما نیست.

■ با مدیران درباره این مشکل بحث شده است؟

هیچ مدیری مسوولیت گفته نمی‌شود و فقط به من پیام داده می‌شود. بعد

از ۳۰ سال کار کردن برای من به عنوان یک زن هویتی قابل نیستند. هرکسی حتی برای یک‌بار چیزی از من شنیده یا خوانده باشد، می‌داند درونم مالا مال از صلح است و برای ارتباط برقرار کردن آماده هستم. در این مدت هم بدون هیچ مقاومتی آنچه گفته شده را انجام داده‌ام. چون ارزش مسایل بعد از آن را ندارد. ■ اکران این فیلم شاید بتواند فضا را اندکی باز کند.

این فیلم واقعا به من ربطی ندارد. در موقعیت منطقی خودش اکران می‌شود. آدم‌های محترم و حرفه‌ای در ساخت این فیلم تاثیر داشته‌اند. بازیگرانش در این سال‌های اخیر در جشنواره فجر مورد تشویق قرار گرفته‌اند. من عاملی برای وجود آوردن منع یا مشکلی در فیلم نیستم. این اکران امتیاز مثبتی برای من نیست و ضرری هم برای فیلم ندارد. این فیلم به صورت منطقی باید اکران شود و اکنون می‌شود.

عنوان انسان‌های متمدن نمی‌توانیم گفت‌وگو کنیم و به تفاهم برسیم. بدون اینکه هیچ کدام‌هم متهم باشیم. وقتی فیلم‌نمایش داده نمی‌شود بیش از آنکه نگران خودم باشم، نگران صنعت سینما هستم. برای همه تاسف‌بار است که این همه هزینه بی‌نتیجه می‌شود. این فقط درباره سینما نیست.

عنوان انسان‌های متمدن نمی‌توانیم گفت‌وگو کنیم و به تفاهم برسیم. بدون اینکه هیچ کدام‌هم متهم باشیم. وقتی فیلم‌نمایش داده نمی‌شود بیش از آنکه نگران خودم باشم، نگران صنعت سینما هستم. برای همه تاسف‌بار است که این همه هزینه بی‌نتیجه می‌شود. این فقط درباره سینما نیست.

عنوان انسان‌های متمدن نمی‌توانیم گفت‌وگو کنیم و به تفاهم برسیم. بدون اینکه هیچ کدام‌هم متهم باشیم. وقتی فیلم‌نمایش داده نمی‌شود بیش از آنکه نگران خودم باشم، نگران صنعت سینما هستم. برای همه تاسف‌بار است که این همه هزینه بی‌نتیجه می‌شود. این فقط درباره سینما نیست.

هستم، مطرح شد‌ام. نه به واسطه دیدگاه سیاسی‌ام و نه به عنوان آدم سیاسی، من با آن چیزی که موقعیت من را به عنوان هنرمند زیر سوال می‌برد، مخالفت می‌کنم. قبل از انقلاب همین اتفاق می‌افتاد. با اینکه در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان رشد کردم‌ام که همه چیز آن به یک حمایت دولتی برمی‌گشت. اولین چیزی که یاد گرفتم، اعتراض بود. من ۱۴ سالم بود که نجواستم جلو یک فرد دولتی تئاتر اجرا کنم. اولین کاری که کردم این بود که جلو هیچ مقام دولتی تئاتر اجرا نکنم. هیچ وقت تئاتر مناسبتی کار نکردم. این اتفاق بعدها هم افتاده است. هنگامی که به کانادا رفته بودم وقتی یک فرد سلطنتی می‌خواست تماشاگر باشد، روی صحنه رفتم و نمایش یک شب تعطیل شد. این شیوه نه در آن دوران و نه اکنون برایم فرقی نکرده. این دیدگاه من است. قرار نیست چیزی را بپذیرم. من به واسطه هنرمند بودن باید معترض باشم، اگر غیر از این باشد آدم نیستم. برای خودم ارزش قابل هستم. کسی حق ندارد به من جهت سیاسی بدهد. من ارزش‌های فکری خودم را دارم که هیچ کدام نه علیه مردم‌ام است و نه علیه مملکت. من به خاطر کاری که انجام می‌دهم معروف می‌شوم، نه به خاطر زیبایی‌ام، نه به خاطر هیجان‌هایی که در مملکت ایجاد می‌شود. من به خاطر اعتقادی که به کارم دارم، معروف شده‌ام.

■ چطور به این نگاه رسیدهاید؟

به خاطر خانواده‌ام. من در خانواده‌ای بزرگ شده‌ام که برای تکتک افراد و نظر‌اتشان ارزش قابل بودند. من با این نگاه وارد جامعه شده‌ام. هیچ‌کس نمی‌تواند چیزی را به من حکم کند که مثلاً او باید جلو فلان مقام مسوول بازی کنی.

■ این شیوه در مورد سینما هم هست؟ مثلاً حاضر نمی‌شوید در فیلم کسانی که به دریافت حمایت‌های دولتی یا مورد قبول دیدگاه‌های رایج معروف هستند، بازی کنید یا این موضوع فقط در تئاتر است؟ مثلاً شما در فیلم مخمیلیاف بازی کردید.

حتماً! حالا چون شما اسم بردید، می‌گویم من موقعی در کار ایشان بازی کردم که هیچ بویی از سیاست در آن نبود. در فیلم هنرپیشه و ناصرالدین‌شاه آنگور سینما؛ دو فیلمی که به مسایل فرهنگی می‌پردازت و مسایل اجتماعی و شخصی آدم‌ها را مطرح می‌کرد هر دو کار برایم بسیار ارزشمند است. من نه قبل و نه بعد از آن با ایشان کار نکردم با اینکه از نظر من یکی از کارگردان‌های نابغه سینمای ایران بوده‌اند. با هیچ‌کسی کار نکردم که با من علناً یک دیالوگ افکار سیاسی در نظر بگیرد، چون به من ربطی ندارد و این کار، کار کسان دیگری است. نمی‌خواهم بگویم من آدم بی‌تفاوتی در مسایل اجتماعی یا در ارتباط با مردم هستم. نمی‌توان کار فرهنگی کرد و نسبت به این شرایط اجتماعی بی‌تفاوت بود.

■ چقدر سعی می‌کنید این نگاه در نقش‌هایی که انتخاب می‌کنید وجود داشته باشد؟

بسیار هر سناریویی که به من پیشنهاد می‌شود به این نکته توجه می‌کنم که خود سناریو دارای چه ارزشی است. بعد نگاه می‌کنم که چه نقشی به من پیشنهاد شده است.

■ یعنی اینکه سناریو چه حرفی می‌زند؟

نه دنبال این نیستم. هر چیزی حرفش در درونش مستتر است. الان سعی می‌کنم کاری را انجام دهم که درست باشد.

■ کار درست از نظر چه کسانی، مردم، مسوولان یا خودتان؟ گاهی اینها با هم فرق دارد.

از نظر خودم. در هر شرایط دیگری بودم، در هر جای دیگری هم زندگی می‌کردم. کاری را می‌کردم که ارزش‌های زندگی‌ام از بین نرود. شاید یکی از دلایلی که هیچ وقت در خارج کار نکردم، همین باشد. ارزش‌هایی در نگاه، فکر و نظم دارم که اگر غیر از این باشد، کار نمی‌کنم. با اینکه حتماً مثل بسیاری از بازیگرانی که خارج از کشور رفت‌وآمد می‌کنند، پیشنهادهایی داشته‌ام. ولی برای من اصلاً کاری ارزشمند در خارج از ایران وجود ندارد.

■ شاید چون تاثیرگذاری تان کم می‌شود؟

اصلاً بعد از ۲۰سال نمی‌توانم در دهنم به یک حداقل‌هایی رضایت دهم. نه سوادای مطرح شدن دارم و نه سوادای شهرت. سوادای کار درست انجام دادن دارم و فکر می‌کنم بسیار کار انجام‌شده در ایران وجود دارد.

■ در ایران هیچ مالکی از نظر اندازه نقش قابل نیستید؟ برای من ساخته شدن یک فیلم خوب در ایران اهمیت دارد، نه اندازه نقشی که در آن بازی کردم.

عنوان انسان‌های متمدن نمی‌توانیم گفت‌وگو کنیم و به تفاهم برسیم. بدون اینکه هیچ کدام‌هم متهم باشیم. وقتی فیلم‌نمایش داده نمی‌شود بیش از آنکه نگران خودم باشم، نگران صنعت سینما هستم. برای همه تاسف‌بار است که این همه هزینه بی‌نتیجه می‌شود. این فقط درباره سینما نیست.

عنوان انسان‌های متمدن نمی‌توانیم گفت‌وگو کنیم و به تفاهم برسیم. بدون اینکه هیچ کدام‌هم متهم باشیم. وقتی فیلم‌نمایش داده نمی‌شود بیش از آنکه نگران خودم باشم، نگران صنعت سینما هستم. برای همه تاسف‌بار است که این همه هزینه بی‌نتیجه می‌شود. این فقط درباره سینما نیست.

عنوان انسان‌های متمدن نمی‌توانیم گفت‌وگو کنیم و به تفاهم برسیم. بدون اینکه هیچ کدام‌هم متهم باشیم. وقتی فیلم‌نمایش داده نمی‌شود بیش از آنکه نگران خودم باشم، نگران صنعت سینما هستم. برای همه تاسف‌بار است که این همه هزینه بی‌نتیجه می‌شود. این فقط درباره سینما نیست.

عنوان انسان‌های متمدن نمی‌توانیم گفت‌وگو کنیم و به تفاهم برسیم. بدون اینکه هیچ کدام‌هم متهم باشیم. وقتی فیلم‌نمایش داده نمی‌شود بیش از آنکه نگران خودم باشم، نگران صنعت سینما هستم. برای همه تاسف‌بار است که این همه هزینه بی‌نتیجه می‌شود. این فقط درباره سینما نیست.

عنوان انسان‌های متمدن نمی‌توانیم گفت‌وگو کنیم و به تفاهم برسیم. بدون اینکه هیچ کدام‌هم متهم باشیم. وقتی فیلم‌نمایش داده نمی‌شود بیش از آنکه نگران خودم باشم، نگران صنعت سینما هستم. برای همه تاسف‌بار است که این همه هزینه بی‌نتیجه می‌شود. این فقط درباره سینما نیست.

کاغذ بی خط

باتکی عقلانی به لمپنیسم سینمایی

محسن خیمه‌دوز

■ بالاخره بعد از مدت‌ها که پرده‌های سینما شاهد موجی از فیلم‌های مبتذل و لمپنی و به عبارت بهتر شبه‌فیلم بوده‌اند و پس از سال‌ها اکران نه چندان با آبروی سینمای کمدی، با فیلم فاخر و قابل اعتنایی مواجه شدند که توانست رضایت مخاطبان فیلم کمدی و سرگرم‌کننده را بدون اهانت به شعور آنها به دست آورد. فیلم «رود آقایان ممنوع» به مثابه نمونه‌ای از یک فیلم موفق و معتبر گیشه‌ساز و عامه‌پسند (بمعنای مثبت آن)، نشان داد که می‌توان کمدی ساخت بدون آنکه لودگی کرد و لمپنیسم را رواج داد. نشان داد که می‌توان کمدی ساخت بی آنکه عقلانیت و تشکیک را به سخره گرفت. نشان داد که می‌توان به گیشه و پسندعامه و رضایت مخاطب اندیشید بدون آنکه به آنها باج داد و از تکنیک، شرافت و عقلانیت سینمایی کاست. نشان داد که می‌توان کار گروهی کرد و فقط به فرد شاخصی به نام کارگردان تکیه نکرد بلکه او را هم وادار به پذیرش قواعد کار گروهی کرد. فیلم ورود آقایان ممنوع نمونه مثنی از یک کار گروهی موفق است که اگر سهم هر یک از دست‌اندرکاران آن را از کارگردان کمتر بدانیم به تحلیل و شناخت درستی از موفقیت فیلم نرسیده‌ایم و این وضعیت نه به دلیل ضعف کارگردان بلکه به دلیل بالا بودن ضریب‌هوشی تمام دست‌اندرکاران این فیلم است. فیلم ورود آقایان ممنوع توسط فیلمنامه‌نویس کمدی‌نویسی نوشته شده که ساختار کمدی را می‌شناسد و بالاتر از آن به نقاط ضعف کارهای قبلی خود هم آگاه است؛ ازجمله آگاه به نقاط ضعف فیلمنامه شالسته سن‌پترزبورگ با تدوینی شلخته‌تر که درس عبرتی برای نویسنده فیلمنامه ورود آقایان ممنوع شد. فیلمنامه‌نویس در این فیلم از تمام ضعف‌های کارهای ضعیف قبلی‌اش برکنار بود و توانست نقاط قوت کارهای قبلی خود را در فرمی دیگر تکرار کند. از فیلمنامه‌هوشمندانه این فیلم که بگذریم نباید از تدوین هوشمندانه فیلم غافل بود. تدوینی که اگر نبود ما هرگز شاهد سکاس زیبای سینمایی ولبالاب ندویم. سکاسی پر پلان و نیازمند دقت برای دکوپاژ صحیح و شنکستن خط فرضی. جلادیت این سکاس به مثابه یک کلیپ به تنهایی و مستقل از فیلم قابلیت چند بار دیدن را دارد.

معمولاً وقتی در ایران نقد فیلم نوشته می‌شود یا به کارگردان می‌پردازند یا به محتوای فیلمنامه و به‌عندرت تحلیل فیلمی از منظر تحلیل بازیگری یا تکنیک‌های فرم‌دادن به فیلم (تدوین، میزانسن‌ها، ضبط صدا و میکس صداها و موسیقی و نوع همراهی موسیقی با حرکات و نقاط عطف فیلم و گرم بازیگران و انتخاب بازیگران) نوشته می‌شود. جدا از تدوین هوشمندانه فیلم مورد مهمی که حتما و مستقلاً باید بررسی و تحلیل شود، در حال اکران.



بازیگری هوشمندانه بازیگران این فیلم است، در فیلم ورود آقایان ممنوع ما شاهد دو بازی متفاوت ولی به‌شدت حرفه‌ای، هوشمندانه و سطح بالا بودیم. بازی منظم، سخت و در عین حال نرم و بدون آوارکات ویشکا آسایش و بازی آرام و پخته رضا عطاران بدون غلو تلویزیونی و بدون لودگی رایج در فیلم‌های کمدی سخیف و مبتذل در حال اکران.

این نوشته به‌جای تحلیل بازیگری آنها شاید بد نباشد چند سوال طرح شود تا زمینه نگارش تحلیلی انتقادی و جامع‌تر، هم درباره این فیلم و هم درباره بازی‌های موفق این دو بازیگر و سایر بازیگران نیز، توسط افرادی با سوادتر از نگارنده ایجاد شود:

۱- چرا بازی این دو بازیگر (ویشکا آسایش و رضا عطاران) در این فیلم جذاب‌اند؟

۲- کدام بخش از بازی این بازیگران وابسته به استعداد بازیگری آنهاست و صرفاً متکی به دیالوگ‌ها و موقعیت‌های فیلمنامه با هدایت بازیگران نیست؟

۳- بازیگران از چه تکنیک بازیگری استفاده کردند تا موفق شوند از آوارکات در بازی‌هایشان جلوگیری کنند؟ بیماری که سینمای کمدی و بازی در نقش‌های کمدی به شدت از آن رنج می‌برد؟

۴- بازی ویشکا آسایش درون‌گرا بود؟ یا بیرون‌گرا؟ یا ترکیبی از هر؟

۵- تفاوت بارز بازی عطاران در این فیلم با بازی‌های قبلی او در چیست؟ در کدام سکاس این فیلم می‌توان بازی فوق‌العاده او را که در سطح یک کم‌دین شاخص و بدون ایراد ظاهر شده، دید؟

۶- بازی ویشکا آسایش با وجود اینکه موجب خنده مخاطبان می‌شد ولی نه دهن زدن بود و نه زن را خفیر نشان می‌داد و در تمام حالات زنانه (رامش زنانه، عصیانیت زنانه، حسادت‌های زنانه، حس روماتیک زنانه و حتی شکست‌های زنانه) لحن‌های به تمسخر زن و زانگی رسید و در تمامهت اقتدار زنانه را حفظ کرد. نشانه این اقتدار مثبت زنانه را حتی تا پلان آخر از سکاس آخر به‌خوبی می‌توان دید، آنجا که با دلبری زنانه اما همچنان مقتدر و متکی به‌خود می‌پرسد: دینگه چه خبر؟ روش بازی ویشکا آسایش در حفظ این اقتدار در عین انجام رفتارهای طنز و خنده‌دار چه روشی است؟

۷- افسوس که یکی از سکاس‌های حساس فیلم حذف شد. سکاسی که کاراکتر عبوس فیلم تحت تاثیر یک موقعیت به شدت می‌خندد اما خنده‌ای که می‌خواهد عبوس بودن خود را همچنان حفظ کند. تصور اینکه بازی در این سکاس دشوار است نیازی به توضیح ندارد.